

پرستار پزشکان و طبابت در ایران باستان

پزشکی در آثار زرتشت و شاهنامه فردوسی

دیتریش براندنبورگ

مترجمان:

ویدا صادق زاده

سیده سوسن رئوفی کلاچایه

هوشنگ صادقی

سرشناسه	: صادق زاده ویدا ۱۳۳۸
عنوان و نام پدیدآور	: پرستار پزشکان و طبابت در ایران باستان / پدیدآورندگان : ویدا صادق زاده . سیده سوسن رئوفی کلاچایه، هوشنگ صادقی
مشخصات نشر	: زنجان ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری	: ۸۹ ص .
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۱۰-۱۱۶۳-۷
طرح روی جلد	: بابایی حسن / ۱۳۵۲
قیمت	: ۸۰۰۰۰
تیراژ	: ۲۰۰۰ جلد
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: چاپ اول
موضوع	: پزشکی
شناسه افزوده	: دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان
شناسه افزوده	: Zanzan Branch, Islamic Azad University

عنوان : پرستار پزشکان و طبابت در ایران باستان

مؤلف : دیتریش براندنبورگ

ناشر : دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۱

تیراژ : ۲۰۰۰ نسخه

قیمت : ۸۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

۱	 پیشگفتار مترجمان
۴	 پیاچه
۶	 پزشکی در اوستا، کتاب مقدس پارسیان
۹	 تاریخ اوستا
۱۰	 خدایان و دیوان پزشکی
۱۳	 صنف پزشکان و زندگی پزشکی
۱۸	 بهداشت و پیشگیری
۲۶	 آناتومی، فیزیولوژی و بیماری شناسی
۳۱	 تشخیص
۳۵	 درمان
۳۷	 درمان عارفانه - میتوختی
۴۱	 درمان با دارو
۴۵	 درمان با جراحی
۴۸	 پزشکی در شاهنامه فردوسی
۴۸	 اشعار و مضمون پزشکی آن ها
۴۸	 سرآغاز دانش پزشکی ایران
۴۹	 پیشگیری و قواعد عام تندرستی
۵۵	 دیدار اسکندر با پزشک هندی
۶۱	 جراحات جنگی و پرستاری زخمیان
۶۳	 معالجه چشم کیکاووس
۶۴	 عمل جراحی « سزارین » به هنگام تولد رستم
۶۸	 نکاتی درباره بیهوشی
۶۹	 سقط عمدی
۷۳	 فرجام سخن
۷۶	 منابع

پیشگفتار مترجمان

کتاب فراوی خواننده - پریستار پزشکان و علم طبابت در ایران باستان از دیتريش براندنبورگ^۱ - به طب ایران باستان، آن هم از دیدگاه اوستا که حدود سه هزار سال قدمت دارد می پردازد. از این رو، گویای پیشرفت دانش پزشکی در ایران نیست، زیرا چنان که خود نویسنده هم تأکید می کند، مطالب تنها شامل اوستا - آن هم ناقص - و مطالب شاهنامه می شود. با این همه، چنان که در خود کتاب هم قید شده طب در ایران باستان آمیخته به دین بود. اما دانش پزشکی در دوره های متأخر و مخصوصاً در عهد ساسانیان از تأثیر علوم یونانی بهره مند شد و تا حدی جنبه علمی یافت. شاهان هخامنشی پزشکان یونانی داشتند (دموکدس، کتزیاس) و شهریاران ساسانی، باوجود نهی دینی، به طبای یونانی و سریانی مراجعه می کردند. در قرن ۵ میلادی نسطوری هایی که از خاک روم تبعید شدند و به ایران روی آوردند، مدارس را تأسیس کردند که در آن ها طب یونانی تدریس می شد و مشهور ترین آن ها مدرسه گندی شاپور بود که در دوره اسلامی نیز دوام داشت.

گندی شاپور شهر قدیم خوزستان در محل ویرانه های شاه آباد کنونی، ۸ فرسنگی شمال غرب شوشتر بر جاده شوشتر به دزفول واقع است. مدرسه طب که خسرو انوشروان در این شهر تأسیس کرده بود، و در آن علوم یونانی به زبان آرامی تدریس می شد، مشهور بود. شهر و مدرسه آن تا دوره عباسیان رونق داشت؛ خاندان بختیشوع از مردم این شهر بودند که پزشکان بزرگی از آن برخاسته اند. جرجیس ابن جبریل ابن بختیشوع، رئیس بیمارستان گندی شاپور بود که در سال ۱۴۸ هجری قمری برای معالجه منصور، خلیفه عباسی به بغداد احضار شد. گویند پسرش بختیشوع ابن جرجیس (وفات: ۱۸۵ ه.ق) در زمان اقامت پدر در بغداد رئیس بیمارستان گندی شاپور بود که در زمان مهدی و هارون الرشید وی را برای معالجه به بغداد خواستند. پسرش جبریل ابن بختیشوع (وفات: ۲۱۲ ه.ق) طبیب جعفر برمکی و بعداً هارون الرشید و مأمون بود. او برجسته ترین عضو خاندان بختیشوع است و آثار طبیبی بسیاری نوشته است.

اما از آنجا که موضوع کتاب، طب پیش از اسلام است، مورد مهمی ما را بازهم به گندی شاپور می کشاند. زیرا ابن قفطی در تاریخ الحکما اشاره به نوشیدنی می کند که دموکریت را

در طول زندگیش از بیماری ها حفظ می کرد و در خاتمۀ بند ذی ربط اضافه می کند، شاپور در (کتاب) اقربادینه درمورد اخلاط های او (دموکریت) گزارش کرده است. ابن قفطی در بند دیگری از شاپور بن سهل یاد می کند که از استادان پزشکی گندی شاپور بوده که در سال ۲۵۵ هجری قمری درگذشته است که از آثار وی منجمله از کتاب اقربادین نام می برد که در بیمارستان کاربرد داشت.

فرانس آلتهایم^۱، پژوهشگر آلمانی بر این باور است که « فی اقرا باذینه » در کنار « کتاب اقربادین » نشانگر آن است که در مورد نخست، حرف آخر نمی تواند پایانه مؤنث درنظر گرفته شود، بلکه پسوند ضمیر سوم شخص مفرد. به نظر وی در « اقربادین او » و « کتاب اقربادین » می تواند توضیح فراتری از این صورت ممکن شود و تغییری در نقطه پردازی به صورت صحیح بیانجامد. یعنی با تغییر ق به ف و ر به ز، از اقرا بازین، افزایشیت به دست می آید. این اصطلاح پارسی میانه یا آغازین فارسی، ضمیمه و گاه گاهی تفسیر نیز معنی می دهد. اگر معنای دوم درست باشد، منظور آن است که شاپور شرحی بر کتاب دموکریت نگاشته بوده است. این واژه مشتق از مصدر « افزودن، افزایش » است. مصدر متعدی آن افزایشیدن، افزایشیدن، « او کاری می کند که فزونی یابد » و در این صورت، افزایشیت می تواند « نیروبخش، مقوی » ترجمه شود. اگر این پیشنهاد پذیرفته شود، هم زمان ترجمۀ اسم کتاب κρατυντηρια (کراتونتریا) دموکریت حاصل می شود. پس اجازه داریم بینگاریم که شاپور بن سهل به کتاب دموکریت پرداخته و یا حتی آن را گلچین کرده یا شرحی بر آن نوشته است. و مالاً این کتاب دموکریت می تواند در ایام پادشاهی خسرو انوشروان به ایران آورده و ترجمه شده باشد. خود این امر حاکی از فعالیت علمی دانشگاه گندی شاپور برای دسترسی به کتب علمی پزشکی یونان و روم، چه در زمان ساسانیان و چه دوره اسلامی است.

درضمن بنا بر باور نویسنده دین رسمی ایران از عهد هخامنشی تا سقوط ساسانیان دین زرتشت بوده است که چنین امری نادرست است، زیرا تنها درمورد ساسانیان صدق می کند و اطلاعات ما درباره هخامنشیان و اشکانیان گویای چنین ادعایی نیست. و اظهارات نویسنده در مورد زادگاه زرتشت و یا پاره ای آگاهی ها درباره ایران باستان چندان مقرون به صحت

1. F. Altheim- R. Stiehl, Die Araber in der Alten Welt II, Walter de Gruyter, Berlin 1965, S. 17-20.

نیست. با این همه مترجمان نخواستند با پانویست‌های مکرر به اصل کتاب دست ببرند، زیرا موضوع اصلی کتاب، پزشکی در دوران اوستا یا مطالب موجود در آن بود که مترجمان بر این باورند که در نبود منابعی در این مورد، به هر حال نویسنده تا حدودی ادای دین کرده است.

مترجمان در نقل قول‌های گائاه‌ها^۱ (از آنجا که نویسنده از ترجمه گاهان بارتولومه استفاده کرده، و ترجمه پورداود بسیار متأثر از بارتولومه است) و یسنا^۲ ی اوستا از ترجمه پورداود، و ونیداد (و دیوداد)، از ترجمه هاشم رضی^۳ استفاده کرده‌اند.

۱. گائاه‌ها، سرودهای زرتشت، گزارش پورداود، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۵۴.
۲. یسنا، جزوی از نامه مینوی اوستا، ۲ جلد، انتشارات دانشگاه تهران ۲۵۳۶.
۳. ونیداد، ترجمه، واژه نامه، یادداشت‌ها، هاشم رضی، ۴ جلد، انتشارات فکر روز، تهران ۱۳۷۶.

نوشته ای درباره دانش پزشکی ایرانیان باستان در بسیاری از کتاب های تاریخ پزشکی جایش خالی است. البته این امر می تواند چنین توضیح داده شود که آگاهی ما در این زمینه بخصوص اندک و گسسته است و امکان توصیفی را فقط در خطوط عمده، اما نه قالب منسجم اسلوبمندی می دهد. ما همه اطلاعات راجع به تاریخ پزشکی ایران را قبل از حمله اعراب، در کل مدیون دو منبع مکتوب (ادبی) هستیم: *اوستا*، کتاب مقدس پارسیان، و *شاهنامه*، حماسه ملی ایرانیان.

اوستای زرتشتیان در تحلیل نهایی یک اثر مذهبی است. اوستای امروزی شامل تنها پاره ای از نوشته های اصلی است. در اوستا به موضوع های پزشکی، بیماری شناسی، تشخیص و درمان واقعی اغلب به طور پراکنده پرداخته شده است، یعنی معمولاً به صورت اشارات کوتاهی در این یا آن رابطه گنجانده شده اند. از جانب دیگر، ما در جریان اهمیت صنف پزشکان، وظائف و حقوق پرستارپزشکان^۱ و دستیاران آن ها، و نیز درباره بهداشت و پیشگیری عمومی به صورتی مرتبط و از هر لحاظ جامعی قرار می گیریم. این امر معلول موضع نزدیک به واقع گرایانه بنیان گذار دین است که آموزه اش در تمامی موارد با قاطعیتی منطقی با شرایط زندگی انسان وفق داده شده است.

شاهنامه، داستان شاهان و پهلوانان ایران، می بایست درست در طول سه سده و نیم حاکمیت فاتحان عرب بر فرهنگ ایران، نخست در روایات مردم محفوظ نگهداشته شود، تا اینکه فردوسی توسی توانست آن را به دنبال کوشش های پراکنده ای در قالب شاعرانه تا امروز به جا مانده در خراسان ثبت کند. شاهنامه هر چند از نظر پزشکی معلومات ما را افزایش می دهد، اما تفکیک مطالب پزشکی بازمانده در جاهای مختلف آن از ضمائم پسین که تحت تأثیر علم طب اسلامی، به طور اجتناب ناپذیری وارد آن ها شده بود و در روزگار شاعر با حکیم ابوعلی سینا، پزشک و فیلسوف، به نقطه اوج خود رسید، بسیار سخت است.

پزشکی در شاهنامه چنان تنگاتنگ با علم طب اوستایی عجین است که معقول به نظر می آید هر دو مورد به صورتی مرتبط با هم منتشر شوند. اما پرداخت نکات پزشکی که ما از «شاهنامه» اخذ می کنیم تاحدودی مستلزم معلومات پزشکی اوستا است، حال آنکه از

دیگرسو، تصویر طب ایران باستان، آن گونه که اوستا برای ما فراهم می کند، با اشارات پزشکی شاهنامه تکمیل و کامل می شود. بخصوص این مطلب که شاهنامه در جاهای مختلفی آشکارا بدان بخش های اوستای اصلی اشاره می کند که به هنگام تهاجم اسکندر از بین رفته و دیگر به صورت مکتوب درج نشده و به دست ما نرسیده است. بنابراین بررسی زیر هدفی را دنبال می کند، با ارزیابی هر دو مهم ترین یادمان نوشتاری ایران و سنجش متقابل مؤلفه های اوائل زبان فارسی و اسلامی شرح مختصری از معلومات پزشکی ایرانیان باستان، از سرآغاز فرهنگ شان تا ورود اسلام، به دست دهد.

پزشکی در اوستا، کتاب مقدس پارسیان

درآمدی بر اوستا

اوستای « زرتشتیان » مجموعه نوشته های مقدس پارسیان است. اینان چنان که از نامشان بر می آید، اهل ایران، سرزمین کهن پارس، و بازماندگان فراریانی هستند که بر اثر فشار فاتحان عرب امپراتوری ساسانی، در سال ۷۱۷ میلادی به هند مهاجرت کردند. آن ها مقدمتاً در شبه جزیره کاتیوار^۱ پناهی پیدا کردند، تا اینکه مسلمانان در سال ۱۴۹۰ گجرات را نیز مسخر شدند. به دنبال این، آن ها رهسپار سورات و آنگاه که این محل اهمیتش را از دست داد، راهی بمبئی شدند. در هند که آن ها توانستند بدون مزاحمتی نسبت به اعتقاد و سنت های خویش زندگی کنند، امروزه حدود ۱۰۰۰۰۰ پارسی وجود دارد. آن ها در اینجا، اغلب بازرگانانی مریه، در کرانه غربی هند، به ویژه در بمبئی و برودا،^۲ گذشته از این حدود ۷۰۰۰ نفر نیز در سایر بندرها، از قبیل سورات، بروخ^۳ و کراچی زندگی می کنند. البته به طور پراکنده به پارسیان هند در عدن، سنگاپور، هنگ کنگ، شهرهای بزرگ دیگر و زنگبار بر می خوریم. حتی امروزه هنوز هم مجتمع های کوچکی در یزد و کرمان ایران زندگی می کنند.

سرآغاز دین زرتشتی، آیین مزدیسنی، پوشیده در تاریکی و سرگذشت بنیان گذارش، زرتشت (در پارسی به معنای « دارنده شترها » ؛ به یونانی زورواستر^۴، « ستاره طلا » یا « ستاره درخشان ») تنیده در افسانه است. او باید در رگا (ری) در غرب ایران، بنا بر روایت دیگری در شیز، نزدیکی دریاچه اورمیه (آذربایجان) چشم به جهان گشوده باشد و در باکتريا، در خاور کشور که بیشترین طرفدارانش را در زمان حیاتش داشت، درگذشته باشد. اظهاراتی درخصوص سالیابی زمان حیات وی میان ۱۰۰۰ و ۵۰۰ ق.م در نوسان هستند.

1 . Kathiawar

2 . Baroda

3 . Broach

4 . Zoroaster